



قراختاییان از آغاز تا فرجام

جمشید روستا و سحر پورمهدیزاده





عنوان و نام پدیدآور	رسشناسه
مشخصات نشر	عنوان و نام پدیدآور
مشخصات ظاهري	مشخصات نشر
فروش	مشخصات ظاهري
شابک	فروش
وضعیت فهرست نویسی	شابک
پادداشت	وضعیت فهرست نویسی
کتابنامه: ص. ۵۲۳ - ۵۳۷	پادداشت
نمايه.	کتابنامه: ص. ۵۲۳ - ۵۳۷
موضع	نمايه.
موضع	ایران -- تاریخ -- قراختاییان، ۶۱۹ - ۷۰۳ - ق.
شناسه آنلاین	Iran -- History -- Kara - Khitans, 1222 - 1303 --
رده بندي کنگره	پورمهدي زاده، سحر، ۱۳۶۹ -
رده بندي ديبوسي	DSR ۹۴۳
شماره کتابشناسی ملي	۹۵۵/۰۵۸ ۷۳۸۳۱۶۴

قراختاییان از آغاز تا فرجام



دکتر جمشید روستا و سحر پورمهدیزاده



مجموعه انتشارات
ادبی و تاریخی

موقوفات دکتر محمد افشار

[۷۶]

گنجینه اسناد و تاریخ ایران



هیئت گزینش کتاب و جایزه

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر محمدرضا شفیعی کردکنی - دکتر ژاله آموزگار - دکتر جلال حالقی مطلق
دکتر حسن انوری - دکتر فتح الله مجتبایی - دکتر محمود امیدسالار - کاوه بیات
دکتر محمد افشنی و فایی (مدیر انتشارات)

درگذشتگان

ابرج افشار - دکتر سید جعفر شهیدی - دکتر جواد شیخ‌الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - دکری یحیی مهدوی



قراختاییان از آغاز تا فرجام



تألیف دکتر جمشید روستا (عضو هیئت علمی دانشگاه باهنر کرمان)
سحر پور مهدی زاده

ویرایش دفتر نشر بنياد موقوفات دکتر افشار

گرافیست، طراح و مجری جلد کاووه حسن بیگلر

صفحه آرایی زینب نوریور جویباری

لیتوگرافی کوثر

چاپ متن آزاده

صحافی حقیقت

تیزاز ۱۱۰ نسخه

چاپ اول پاییز ۱۳۹۹

ناشر

انتشارات دکتر محمود افشار
خیابان ولی عصر، بالاتر از چهارراه پارک وی، خیابان عارف نسب، کوی لادن، شماره ۶
تلفن: ۰۲۲۷۱۷۱۵-۰۲۲۷۱۷۱۴

با همکاری انتشارات سفهر

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸

تلفن: ۰۶۴۰۵۶۲-۰۴۵-۰۶۹۵۳۸۴

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۰۶۶۹۵۳۸۰۴-۰۵



فهرست مطالب

۱۷	پیشگفتار
۲۷	معرفی و نقد منابع و مأخذ
۲۷	گفتاری درباره منابع
۳۰	منابع چینی
۴۷	منابع فارسی
۸۵	منابع عربی
۹۲	تحقیقات جدید

بخش یکم: حکومت قراختاییان در آسیای میانه و ماوراءالنهر

۱۰۱	فصل اول: خاستگاه قراختاییان و سابقه تاریخی آنان در چین
۱۰۱	شمه‌ای درباره عناوین مختلف قراختاییان و وجه تسمیه قراختا
۱۰۶	خاستگاه قراختاییان
۱۱۱	شكل گیری امپراتوری قراختاییان (امپراتوری کیتان یا لیاثو) در چین شمالی

۱۲۳	فصل دوم: تشکیل حکومت قراختاییان و تثیت قدرت آنان در آسیای میانه
۱۲۳	مهاجرت بازماندگان امپراتوری لیاثو به سوی غرب و تشکیل حکومت

یه لو داشی و استحکام پایه‌های حکومت قراختاییان در آسیای میانه و ماوراءالنهر	۱۲۶
فرجام یه لو داشی و روند جانشینی وی	۱۳۰
 فصل سوم: سیاست خارجی امپراتوری قراختاییان	۱۳۵
روابط میان قراختاییان و قراخانیان	۱۳۵
دریاره قراخانیان	۱۳۶
نخستین رویارویی بازماندگان لیانو با قراخانیان	۱۴۲
رویارویی یه لو داشی با قراخانیان	۱۴۵
دولت قراخانی، خراج‌گزار و مطیع دولت قراختایی	۱۵۲
تلash آخرین حاکم قراخانی جهت خروج از خراج‌گزاری و فرجم قراخانیان	۱۵۶
روابط میان قراختاییان و سلجوقیان	۱۵۹
روابط میان قراختاییان و سلجوقیان در عهد سلطان سنجر سلجوقی	۱۶۰
روابط میان قراختاییان و سلجوقیان بعد از مرگ سلطان سنجر سلجوقی	۱۶۷
روابط میان قراختاییان و خوارزمشاهیان	۱۷۲
نخستین رویارویی‌های قراختاییان و خوارزمیان	۱۷۳
دوران استفاده از نیروی قراختایی برای رسیدن به تاج و تخت خوارزم	۱۷۶
سلطان محمد خوارزمشاه، آخرین کشاش‌ها و زوال دولت قراختایی	۱۸۱
روابط میان قراختاییان و غوریان	۱۸۷
مختصری در معرفی غوریان	۱۸۸
اولین برخوردها میان دولتهای قراختایی و غوری	۱۸۹
شهر بلخ، مکان نزاع دو دولت غوری و قراختایی	۱۹۱
دومین رویارویی بزرگ غوریان و قراختاییان	۱۹۲
آخرین نزاع میان قراختاییان و غوریان با تحریکات سلطان محمد خوارزمشاه	۱۹۶
 فصل چهارم: زوال امپراتوری قراختایی در آسیای میانه و ماوراءالنهر	۲۰۱
چالش‌های میان قراختاییان و نایمانها و سقوط قراختاییان	۲۰۱

- ۲۱۱ قتل کوچلوک و پایان کار نایمانها

بخش دوم: حکومت قراختاییان کرمان

- ۲۱۷ فصل پنجم: کرمان از اوخر عهد سلجوقیان تا ورود قراختاییان
 ۲۱۷ وضعیت سیاسی کرمان پس از مرگ طغرلشاه سلجوqi
 ۲۲۳ کرمان تحت سلطه غزها و نمایندگان خوارزمشاه
 ۲۳۲ شکل‌گیری حکومت قراختاییان در کرمان
 ۲۳۲ بُراق حاجب در دستگاه خوارزمشاهیان
 ۲۳۵ ورود بُراق حاجب به کرمان و تشکیل حکومت قراختایی
- ۲۳۹ فصل ششم: وضعیت سیاسی کرمان در عهد نخستین حکام قراختایی
 ۲۴۰ بُراق حاجب بر تخت حکومت کرمان (از ذی الحجه ۶۳۲ تا شعبان ۶۳۳ ه.ق)
 ۲۴۳ دوران نخست حکومت قطب الدین محمد (از ذی الحجه ۶۳۲ تا شعبان ۶۳۳ ه.ق)
 ۲۴۴ رکن الدین سلطان بر سریر حکومت (۶۳۳-۶۵۰ ه.ق)
 ۲۴۷ قطب الدین محمد و بازپس‌گیری تاج و تخت (۶۵۰-۶۵۵ ه.ق)
 ۲۴۸ سیاست خارجی نخستین حکام قراختایی کرمان

- ۲۷۵ فصل هفتم: وضعیت سیاسی کرمان از حکومت ترکان خاتون تا انقراض قراختاییان
 ۲۷۵ ترکان خاتون قراختایی بر سریر حکومت کرمان (۶۵۵-۶۸۱ ه.ق)
 ۲۸۱ ترکان خاتون و جدال با مدعیان تاج و تخت کرمان
 ۲۸۹ سیورغمتش قراختایی و چالش‌های داخلی (۶۸۱-۶۹۰ ه.ق)
 ۲۹۸ پادشاه خاتون بر سریر حکومت قراختاییان کرمان (۶۹۰-۶۹۴ ه.ق)
 ۳۰۳ بحران جانشینی پادشاه خاتون
 ۳۰۵ حکومت متزلزل محمدشاه قراختایی (۶۹۴-۷۰۲ ه.ق)
 ۳۰۹ کرمان تحت سلطه قاضی فخر الدین
 ۳۱۰ حکومت مستعجل شاهجهان و پایان کار قراختاییان در کرمان (۷۰۲-۷۰۴ ه.ق)

سیاست خارجی فراختاییان کرمان در عهد ترکان خاتون و جانشینان وی..... ۳۱۱

فصل هشتم: نهادهای اداری و اوضاع اجتماعی، اقتصادی، مذهبی و فرهنگی فراختاییان کرمان ۳۷۱
الف) نظام اداری و دیوان‌های فراختاییان کرمان ۳۷۱
ب) اقوام، طبقات و مشاغل اجتماعی ۳۸۶
ج) اوضاع اقتصادی و ضرب مسکوکات در عصر فراختایی ۴۴۴
د) اوضاع مذهبی قلمرو فراختاییان کرمان ۴۶۲
ه) اینیه و اماكن تاریخی ۴۸۵

نمایه‌ها

نام اشخاص ۴۹۷
نام جای‌ها ۵۱۱
اقوام، سلسله‌ها و مذاهب ۵۱۹
کتابنامه ۵۲۳
پیوست‌ها ۵۳۹

به یاد ترکان خاتون قراختایی
به پاس تلاش بی وقفه اش در حوزه علم و فرهنگ

پیشگفتار

از اوایل سده ششم هجری قمری (دوازدهم میلادی)، در قلمرو اسلام و در آثار مورخان و اندیشمندان اسلامی، سخن از قومی جدید به میان می آید. قومی غیرمسلمان که کسی خاستگاه نژادی آنان را به درستی نمی دانست. عده‌ای آنان را تُرك می گفتهند و برخی دیگر، مغول می پنداشتند؛ برخی نیز به ختایی نامیدن آنان اکتفا کرده و نوشتند: «اصل ایشان از ختای است».۱ قوم یادشده که توسط مورخان مسلمان قراختایی نامیده شده‌اند ابتدا در نواحی منچوری^۲ و در مرزهای چین شمالی - که مسلمانان آن را ختا^۳

۱. جوبنی، ۱۳۸۲: ج ۲، ص ۸۶.

۲. منچوری یا منچوریا (Manchuria) سرزمینی در شمال چین و جنوب شرقی مغولستان است که قوم کیتان ابتدا در آن ساکن بوده‌اند: «قراختایی (قراکیتان) ظاهرًا از نظر نژادی، منجو بوده‌اند، با وجود این چون سرزمین اصلی آنها در جنوب منچوری (لیانو- تونگ فعلی) در مرز جنوب شرقی مغولستان واقع بود، احتمالاً با قبایل مغول به نحو چشمگیری آمیخته بودند. چینی‌ها آنها را به نام کیتان یا لیانو می‌شناختند» (ر.ک: دوغلات، ۱۳۸۳: ص ۷۱).

۳. ختا یا خطا (Cathay) «نامی که در منابع اسلامی به بخش شمالی چین، نواحی منچوری، مغولستان و ترکستان شرقی اطلاق می شده است. این کلمه از نام طایفه ختای گرفته شده است که از اواخر قرن سوم قمری به کشورگشایی در چین شمالی پرداختند و از قرن ششم در منابع اسلامی قلمرو وسیع آنها به ختا معروف شد» (ر.ک: هندوشاه استرآبادی، ۱۳۸۷: ج ۱، ص ۶۳۴).

می نامیدند - مستقر بودند. اجداد آنان - که بر اساس منابع چینی، کیتان^۱ نامیده شده و قدمتشان به سده چهارم میلادی بازمی‌گردد - از اوایل سده دهم میلادی توانسته بودند با حمله بر قلمرو امپراتوری «تانگ»^۲ این سلسله را شکست داده و خود، یک امپراتوری وسیع با نام «کیتان» یا «لیائو»^۳ تشکیل دهنند.^۴ اگرچه امپراتوری لیائو بیش از دو سده دوام داشت، اما از اوایل دهه دوم دوازدهم میلادی، قوم جدیدی با نام «جورچن»^۵ پیدا شده و بهزودی میان امپراتوران لیائو و این قوم مهاجم، درگیری ایجاد گردید. در اثر این درگیری، قوم تازهوارد جورچن - که البته از طرف امپراتوری چین جنوبی (امپراتوری سونگ)^۶ نیز حمایت می‌گردید - توانست امپراتوری لیائو را شکست داده و بقایای آن را از سرزمین چین عقب براند.^۷

پس از سقوط لیائو، اگرچه برخی از مردمان کیتان اطاعت از جورچن‌ها را پذیرفته و تحت تابعیت امپراتوری تازه‌تأسیس آنها یعنی امپراتوری کین، درآمدند، اما بسیاری دیگر از مردمان کیتان نیز مهاجرت به نواحی غربی را

1. Kitan.

۲. امپراتوری تانگ (Tang)، نزدیک به سه قرن (از ۹۰۷ تا ۶۱۸ م) بر اکثر نواحی سرزمین وسیع چین حکم راند (ویلسن، ۱۳۵۳: ص ۲۶).

3. Liao.

4. Xu, 2005, p. 2.

۵. جورچن‌ها (Jorchin) نیز یکی دیگر از اقوام ساکن در نواحی منجوری چین بودند. نام این قوم در منابع مختلف به آشکال دیگری همچون: «جو- چن»، «ژوچن»، «جورچت»، «جورچه»، «جرچین»، «جرچی»، «جورچات» و «بیوج» نیز آمده است (ر.ک: گروسه، ۱۳۷۹: ص ۲۲۸؛ باسورث، ۱۳۷۹: ص ۱۴۸؛ ویلسن، ۱۳۵۳: ص ۲۶).

۶. امپراتوری سونگ (Song) تقریباً از سال ۹۶۰ تا ۱۲۷۹ م. بر نواحی جنوبی چین حکم راند (ر.ک: فیتس جرالد، ۱۳۶۷: ص ۴۴۷-۴۲۷).

7. Wittfogel; Feng, 1949, pp. 41-42.

به اطاعت از امپراتوری کین، ترجیح داده و در گروههای مختلف و طی چندین مهاجرت، به سوی نواحی غربی حرکت نمودند. عدهای از این مهاجرین تحت رهبری فردی به نام «یه لو داشی»^۱ به سوی نواحی غربی تر حرکت کرده و ابتدا در بخشی از سرزمین مغولستان استقرار یافتدند. یه لو داشی نزدیک به شش سال در سرزمین مغولستان ماند و در ابتدا به فکر بازگشت به سرزمین چین و بازپس‌گیری قلمرو امپراتوری لیانو بود، اما اقتدار جورچن‌ها و تشکیل امپراتوری کین توسط آنان از یک سو و ضعف دولتهای حاضر در آسیای میانه (آسیای مرکزی) و فرارود (ماواراءالنهر) از دیگر سو، سبب شد تا وی به امید ایجاد یک امپراتوری جدید، راهی نواحی غربی‌تر، یعنی آسیای میانه و فرارود گردد.^۲

یه لو داشی راه آسیای میانه را در پیش گرفته، به زودی موفق به فتح اکثر شهرهای این سرزمین شده و مقدمات حکومتی قدرتمند را فراهم نمود. وی حتی به این نیز اکتفا نکرده و کم کم به سرزمین فرارود و مرزهای شمال شرقی ایران نزدیک شد. از این زمان به بعد وی و نیروهای قدرتمندش با حکومت‌های ساکن در سرزمین فرارود و ایران همچون قراخانیان، سلجوقیان، غوریان و خوارزمشاهیان همچوار گردیده و به زودی نیز روابط آنها - که در اکثر موقع، خصمانه و گاه دوستانه است - شکل گرفت. وی

۱. یه لو داشی (یلو داشی = Yelu-Dashi)، مؤسس امپراتوری قراختاییان در نواحی مغولستان، آسیای میانه و فرارود است. نام اصلی وی «داشی» (Dashi) است و «یه لو» (یلو = Yeh-Lü = Yelu) لقبی است که امپراتوران لیانو و لیانوی غربی (قراختایی) از اولین فرد تا آخرین نفر از آنها به خود داده‌اند. به نظر می‌رسد اولین امپراتور لیانوها در سرزمین چین، مردمان قبیله خود را «رنگ فرنگ چینی داد و حرمت «خان» را در خاندان خود ثبت کرد، آن هم بهوسیله لقبی با عنوان: «یه لو»؛ نامی مانند «سزار» در رم که به عنوان یک لقب افتخاری و اشرافی، همه جانشینان او برگزیدند» (ساندلرز، ۱۳۸۳: ص ۴۲).

2. Biran, 2005, p. 1.

توانست با شکست و یا خراج‌گزار ساختن اکثر این حکومت‌های مسلمان، به آرزوی دیرینه خود جامه عمل پوشانده و در نیمه نخست سده دوازدهم میلادی (اوایل قرن ششم هجری قمری) یک امپراتوری قدرتمند در آسیای میانه و فرارود بنیان نهاد.^۱

با تأملی در آثار نویسنده‌گان چینی می‌توان دریافت که آنان، این امپراتوری تازه‌تأسیس را «لیائوی غربی»^۲ نامیده‌اند، اما مورخان مسلمان این قوم تازه وارد را «قراختایی» نامیده و در آثار خویش از حکومت آنان با نام «قراختاییان» یاد کرده‌اند. به هر حال آنان ابتدا به رهبری پادشاه خود یه لو داشی - که او را گورخان^۳ می‌نامیدند - وارد سرزمین امیر قراخانی شهر بلاساغون شده و بهزودی بر سرزمین او حاکم گردیدند. این برتری آنان را با فرارود - که جزو قلمرو سلطان سنجر سلجوقی بود - نزدیک ساخت و بهزودی کار به جنگ کشید و در نبرد قطوان (در سال ۱۱۴۱ م. ۵۳۶ ه. ق.) شکستی سخت بر سلطان سلجوقی وارد گردید. آتسز خوارزمشاه که قدرت قوم جدید را درک کرده بود، با پرداخت خراجی سالیانه از درگیری با آنان اجتناب نمود و در عوض خود و جانشینانش را تا زمان برافتادن حکومت قراختاییان در آسیای میانه و فرارود - در عهد حکومت سلطان محمد خوارزمشاه - خراج‌گزار این قوم تازه‌وارد اما قدرتمند ساخت.

غوریان نیز بهزودی طعم شمشیر این قوم جدید را چشیدند.^۴

1. *Liao shi*, 30, pp. 350-355. ; Biran, 2005, pp. 19-20.

2. Western Liao.

3. Gorkhan.

۴. منهاج سراج در این باره چنین بیان می‌دارد که: «نقات چنین روایت کرده‌اند: که اول خروج ژرك آن بود، که قبایل قره‌خطاء از بلاد چین و دیار مشرق به حدود قیالق [قیالق = قیالغ] و بلاساغون بیرون آمدند و از پادشاه طمعاج [حاکم قراخانی] برگشتند و سرحدهای اسلام را منزل و چرانخور کردند...». (ر.ک: جوزجانی، منهاج سراج، طبقات ناصری، تصحیح عبدالحی حبیبی، ج ۲، ص ۹۴).

موضوع قراختاییان زمانی جالب‌تر می‌گردد که بدانیم این قوم پس از نزدیک به یک سده حاکمیت بر آسیای میانه و برخی از نواحی فرارود، سرانجام در اثر فشارهای دوجانبه خوارزمشاهیان و نایمانها از میان می‌رود، اما به همت برخی از بازماندگان این قوم، دوباره حاکمیت آنها احیاء می‌شود. البته احیاء مجدد حاکمیت قراختاییان این بار نه در آسیای میانه و فرارود بلکه در دل سرزمین ایران و در ایالت کرمان، صورت می‌پذیرد؛ امری بسیار مهم و لازم بررسی که البته کمتر مورد عنایت محققان و اندیشمندان ایران‌زمین بوده است. این در حالی است که حکمرانان این دولت تازه‌تأسیس - به رغم اوضاع نابه‌سامان ایران طی قرن هفتم هجری - نه تنها با تدبیر سیاسی خود قلمرو تحت استیلایشان را از تهاجمات مغول (فرزندان و نوادگان چنگیزخان) حفظ کردند، بلکه زمینه‌های اعتلای فرهنگی و رونق تجاری کرمان و نواحی اطراف آن را نیز فراهم ساختند. حکام قراختایی کرمان با دول مختلفی همچون ایلخانان، خلافت عباسی، ملوک شیبانکاره، ملوک هرمز، ملوک سیستان، سلغریان فارس، اتابکان گر و اتابکان یزد وارد روابط سیاسی شدند و از همین رو شناخت دقیق این حکومت به جهت تأثیرگذاری آن بر تاریخ ایران میانه از ضرورت بسیاری برخوردار است.

بر ضمایر مطالعه‌کنندگان این اوراق پوشیده نماند که کتاب حاضر پس از این پیشگفتار و بررسی مفصل و دقیق منابع و مأخذ مفید درباره قراختاییان (در آسیای میانه و فرارود و همچنین در کرمان)؛ به دو بخش تقسیم شده است. در بخش نخستین کتاب ضمن معرفی قوم قراختایی، خاستگاه این قوم و چگونگی مهاجرتشان به سوی نواحی غربی‌تر به

چگونگی هم مرز شدن آنان با دولت‌های مسلمان و روابط حاصل از این هم‌جواری پرداخته شده و این روابط به طور مجزا مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. روابطی که از هم‌جوار شدن امپراتوری قراختاییان با سرزمین‌های تحت استیلای قراخانیان (آل افراسیاب) آغاز گردیده است و با نزدیک شدن به نواحی تحت اقتدار سلطان سنجر، به سلجوقیان ارتباط می‌یابد. سپس به‌زودی از خوارزمشاهیان و غوریان و روابط آنان با این قوم تازه‌وارد نیز سخن به میان می‌آید. در فصل اوّل به بیان خاستگاه قوم قراختایی و سابقه تاریخی آنان در نواحی منچوری و تشکیل امپراتوری لیاثو در چین شمالی پرداخته شده است. فصل دوم کتاب به چگونگی سقوط امپراتوری لیاثو، خروج بازماندگان آن تحت رهبری یه لو داشی، تشکیل امپراتوری قراختاییان (لیاثو غربی) در آسیای میانه و جانشینان یه لو داشی اختصاص یافته است. فصل سوم، به طور مفصل و در چندین گفتار، به بررسی مناسبات سیاسی قراختاییان با ملوک هم‌جوار آن و بهویژه حکومت‌های مسلمان قراخانی، سلجوقی، خوارزمشاهی و غوری خواهد پرداخت. در فصل چهارم نیز از سرشاریتی زوال قراختاییان و چرایی و چگونگی این زوال سخن به میان آمده است و بدین ترتیب بخش نخست کتاب به اتمام می‌رسد.

پژوهش حاضر در دو میان بخش، معطوف به سرزمین کرمان شده و بر آن است تا نحوه تشکیل حکومت قراختاییان در کرمان و تاریخ سیاسی آنان را مورد واکاوی قرار دهد. در این بخش از کتاب نیز طی فصول مختلف، سعی بر آن بوده است تا ناگفته‌های تاریخ سیاسی قراختاییان کرمان بیان گردد. البته در پایان این بخش از کتاب و به ضرورت، پس از بیان تاریخ

سیاسی، طی یک فصل نسبتاً مفصل از نهادهای اداری، اوضاع اجتماعی، اقتصادی، مذهبی و فرهنگی قراختاییان کرمان سخن به میان آمده است. امید آنکه در شرح حال این حکومت‌ها- در آسیای میانه و فرارود و در ایالت کرمان- برای مطالعه‌کنندگان حاصلی بوده و نگارنده‌گان بی‌ثمر چیزی ننوشته باشند.

نویسنده‌گان بر آن بوده‌اند تا کتابی هر چند مختصر را برای استفاده دوستداران تاریخ فراهم آورند. تا به حال و تا آنجا که نویسنده حقیر این سطور پیگیری نموده هیچ اثر کامل و جامعی درباره تاریخ قراختاییان از آغاز تا انجام، در کشور ایران به رشته تحریر درنیامده است.^۱ البته بیان این نکته نیز ضروری است که اخیراً دو کتاب تحت عنوانین تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی کرمان در عصر خواجو و جغرافیای تاریخی شهر کرمان در دوران میانه توسط نگارنده این سطور و با همکاری برخی از دوستان به رشته تحریر درآمده و به همت نشر خاموش چاپ و منتشر شده‌اند. با توجه به اینکه خواجو در اوآخر عهد قراختاییان در کرمان زاده شده، مطالب ارزشمندی در باب قراختاییان کرمان در کتابهای مذکور عرضه شده است. مطالبی که از آنها در کتاب حاضر نیز بهره بُرده شده است و با اینکه نگارنده این سطور بهشدت از تکرار مطلب پرهیز دارد، با توجه به اینکه معلوم نیست که کتابهای دیگر مؤلف در دسترس و یا استفاده افرادی قرار گرفته

۱. نه تنها راجع به قراختاییان آسیای میانه و فرارود، بلکه راجع به قراختاییان کرمان- که تقریباً در حدود سال ۶۱۹ هـ و توسط یکی از بزرگ‌زادگان دربار گورخان قراختایی با نام براق حاجب تأسیس گردید- نیز تاکنون هیچ کتاب جامع و کاملی در ایران به رشته تحریر درنیامده است. این در حالی است که اندک تأملی در تاریخ سیاسی قراختاییان از آغاز تا انجام، محقق تاریخ را مقاعد می‌سازد تا به معرفی این قوم، حکومتهای تشکیل شده توسط آنها و غور در جنبه‌های مختلف تاریخ آنان بپردازد.

باشد که این کتاب را مطالعه می‌نمایند؛ از همین رو بعضی مباحث بهناچار بازگویی شده‌اند.

نگارنده این سطور بر آن شد تا با بررسی منابع متعدد و تحقیقات جدیدی که در نقاط مختلف جهان و در دانشگاه‌های معتبر به انجام رسیده است گامی هر چند کوتاه در معرفی این امپراتوری بردارد. مایه خرسندي است که بایگانی‌ها و کتابخانه‌های کشورهایی همچون چین و روسیه، منابع بسیاری را در خود جای داده که در آنها می‌توان مطالبی بسیار بکر و کارآمد راجع به امپراتوری‌های لیانو و لیاثوی غربی به دست آورد، اما بیان این نکته نیز ضروری است که عدم آشنایی نگارنده‌گان با زبانهای چینی و روسی ترجمه این منابع را بسیار دشوار می‌ساخت. و باز هم موجبات بسی خرسندي است که طی یکصد سال اخیر، در دانشگاه‌های بزرگی همچون کمبریج، میشیگان، هاوایی و هلسینکی تحقیقات فراوانی راجع به امپراتوری‌های مذکور به انجام رسیده و حاصل آن کتاب‌هایی بسیار مفید و کارآمد است.^۱ خوشبختانه برخی از این تحقیقات جدید به همت دوست و استاد عزیز، جناب آقای دکتر غلامرضا وطن‌دوست- که هر کجا هست خدایا به سلامت دارش- به دست این جانب رسید و استفاده از آنها بسیار کارگشا بود.

۱. کتابهایی همچون:

- Biran, Michal (2005). *The Empire of the Qara Khitai in Eurasian History: Between China and the Islamic World*, Cambridge University Press.
- Xu, Elina-Qian (2005). *Historical Development of the Pre-dynastic Khitan*, Helsinki: University of Helsinki.
- Wittfogel, Karl August and Feng Chia-sheng (1949). *History of Chinese Society: Liao (907-1125)*, Philadelphia: American Philosophical Society.

امید از مطالعه کنندگان چنان است که هر گاه بر سهو و خطایی مطلع گردند، به دامن عفو و خطابخشی پوشیده و البته به قلم اصلاح، درست فرمایند؛ چه انسان از سهو و نسيان مصون نیست. در همین راستا از تمامی اندیشمندان و پژوهشگران گرامی درخواست می‌شود دیدگاه‌های اصلاحی و یا نقطه‌نظرات بالارزش و کارگشای خویش را به دفتر نگارنده این سطور در گروه تاریخ دانشگاه شهید باهنر کرمان ارسال دارند. به عنوان کمترین ادای تکلیف، وظیفه خود می‌دانم از تمامی عزیزانی که مقدمات آماده‌سازی و نشر کتاب را فراهم نمودند، صمیمانه سپاسگزاری نمایم. نخست مراتب سپاس خود را از جناب آقای دکتر محمد افشاری و فایی (مدیر عامل محترم بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی) و تمامی دست‌اندرکاران این انتشارات وزین ابراز می‌دارم. بدون تردید تلاش و کوشش‌های بی‌دریغ همکار ارجمند، سرکار خانم سحر پور‌مهدى‌زاده موجبات وزانت هرچه بیشتر کتاب را فراهم کرد؛ از ایشان سپاسگزارم. از زحمات فراوان سرکار خانم زینب نورپور، صفحه‌بند محترم نیز کمال سپاس و تشکر را دارم. در پایان شایسته است از همسر گرامی‌ام به علت شکیبایی، تشویق‌های دائم ایشان و نظریات مفیدش، صمیمانه سپاسگزاری نمایم.

دکتر جمشید روستا

کرمان

۱۳۹۹/۰۴/۲۰